

آینه

انتقاد

یادداشت: «برنامه‌ریزی شده یا اتفاق؟»؛ عباس عبدی
در نهایت عدم رای‌اعتماد به نامزد را می‌توان حاصل تلاقی برنامه‌ریزی قبلیِ عدای از نمایندگان و بیرون از مجلس و اتفاقات و انتصابات خاص به نامزدها و نحوه دفاع آنان دانست. به نظر می‌رسد نمایندگان مجلس در رای عدم‌اعتماد به وزرای مذکور بیش از آنکه مشی سیاسی وزیر پیشنهادی را عملی برای رای ندانن در نظر بگیرند به سوابق رفتاری آنها در اتفاقات چهار سال گذشته توجه داشتند… آنچه مهم جلوه می‌کند خروجی بحث‌ها و تصمیم نهایی رئیس‌جمهور است. در این خصوص دلیلی برای عقب‌نشینی روحانی از خطمشی تعادلی خود نیست چراکه خطمشی سیاسی وزرای اصلاح‌طلب حداقل ۱۸۰ رای نمایندگان را به‌همراه داشته‌است.

بهار

گفت‌وگو/ زهرا اشراقی: روحانی وزرای تحمیلی را نپذیرد

متأسفانه دو وزارتخانه آموزش‌وپرورش و علوم و فناوری نتوانستند صاحب گزینم‌های شایسته خود شوند. واقعا جایگزین شایسته‌ای برای آقای نجفی یافتن کار سختی است و باید گزینشی را معرفی کنند که به نجفی نزدیک باشد. وزرات علوم هم جایگاه خاص خود را دارد و وزارتخانه حساسی است. امیدوارم آقای روحانی کوتاه نیاید و وزرای تحمیلی مجلس را انتخاب نکند. روحانی نباید تابع مجلس باشد، یعنی باید یک وزیر درخور و شایسته را در راس این دو وزارتخانه بگذارد که البته آنها هم باید مجلس را قانع کنند… در مجموع کلینبه کارا و قوی است. افراد متخصص را بر سر کار آورده‌اند و این امتیاز مثبتی است.

اطلاعات

یادداشت: «دلایلی محکم برای رای عدم‌اعتماد»؛ علیرضا خانی

از سه وزارتخانه‌ای که بی‌وزیر ماندند، هر سه به امور جوانان و نوجوانان مربوطاند و هر سه مسوولیت «آموزش» این گروه را به‌عهده دارند. می‌توان اینطور گفت که هر وزارتخانه‌ای که مشخصا و تخصصا مسوولیت آموزش جوانان و نوجوان کشور را برعهده دارد، بی‌وزیر مانده است… خدا کند که «آموزش‌وپرورش» و «علوم» و «جوانان» کشور، که اساسی‌ترین و حیاتی‌ترین بخش‌های کشور و جامعه‌ا، هرچه زودتر، هم صاحب وزیر شوند و هم صاحب سامان!

تازان

یادداشت: «ظریف به تنهایی راه به‌جایی نمی‌برد»؛ داوود هرمیداس باوند

اگر قرار باشد وزیر خارجه برای هر گام و اقدامی، کسب دستور کند، راه خیلی دشوار خواهد بود. زیرا دیدگاه‌ها در مرکز همسو نیست. درواقع، قابلیت، تخصص و آگاهی دکتر ظریف در این زمینه لازم است، اما کافی نیست و آزادی عمل و اختیاراتی که به او داده می‌شود، تعیین‌کننده خواهد بود. در یک جمع‌بندی کلی بهبود مناسبات ایران با آمریکا نخست به هماهنگی میان مقامات کشور، سپس اراده جدی برای پیگیری قضیه و در نهایت یک دستگاه دیپلماسی قوی و کارآزموده نیازمند است.

کینان

سرمقاله: «خاکسپاری جنازه فتنه»؛ حسین شریعتمداری

تملی چند روز بر پیشنه‌ای که منتهم به حضور و حمایت از فتنه ایرانی‌ها – اسرائیلی ۸۸ بودند بدون استثناء –تاکید می‌شود که بدون استثناء- ضمن انکار حضور و حمایت خود، از فتنه آمریکایی- اسرائیلی یاشده اعلام دوری و انزجار کردند و با قاطعیت – بعضا همراه با سوگند- آن ماجرای بلشت را بیرون از دایره اسلام و انقلاب و نظام داشته و بر وفاداری خود به امام‌راه) و رهبر معظم انقلاب و پیروی از خط ترسیم‌شده از سوی ایشان تاکید ورزیدند. آقای آخوندی در انتخابات سال ۸۸ از اعضای اصلی ستاد محریسین موسوی بود و با همین عنوان نیز همراه چند تن دیگر از اعضای آن ستاد و اعضای ستاد سایر نامزدها به محضر رهبر معظم‌انقلاب رفته و در آنجا با صراحت امکان هر گونه تقلب در انتخابات را که کلید وازه فتنه بود، نفی کرده بود ولی اعتراف ایشان در فضای عمومی کشور انعکاس بیایفته بود و آقای دکتر روحانی با توجه به فضای حاکم بر نگاه نمایندگان مردم می‌دانست که احتمال ادعای تقلب از سوی آقای آخوندی می‌تواند موثرترین عامل در روگردن منفی نمایندگان به ایشان باشد، از این‌روی با هوشمندی به نفی تقلب از سوی آخوندی در محضر حضرت آقا اشاره کرد که رای‌اعتماد نمایندگان مردم به ایشان را در پی نداشت. فقط در یک مورد آقای دکتر روحانی به هنگام دفاع از وزرای پیشنهادی یکی از آنها را با عنوان «اصلاح‌طلب» معرفی کرد و نتیجه آنکه این وزیر پیشنهادی نه‌فقط از رای‌اعتماد مجلس برخوردار نند بلکه در میان سه وزیری که با رای عدم‌اعتماد نمایندگان مردم روبرو شدند، کمترین رای مثبت را کسب کرد

سارلت

سرمقاله: «روش‌ها و منش‌های مردم‌سالاری دینی»؛ محمدکاظم آملی‌آبر

مسأله‌ای که رئیس‌جمهور محترم از آن به‌عنوان اردوکنشی خیابانی یاد می‌کنند چیزی در حد محاربه با یک نظام الهی و مقدس است…نمایندگان مجلس نجابت به خرج دادند و تنها به برخی از کسانی که این شبهه را داشتند رای منفی دادند و از روی تسلیح به‌جز دو سه نفر با بقیه، با نگاه غفو و بخشش برخورد کردند البته وزیر پیشنهادی که شبهه ورود در فتنه داشتند در دفاعیات خود از ولایت‌فقیه و نظام به تصریح دفاع کردند از آنها تشکر کرد که بر سیبل فتنه پای نمی‌فشارند. اما باید این گله را هم کرد که چرا این دفاع را در روز قفس ۸۸، روز ۱۶ آذر ۸۸، روز ۱۲ یا ۱۳ ۸۸ و از همه مهم‌تر روز عاشورای تلخ ۸۸ که در آنجا کارکن نظام مورد اهانت و هجمه فتنه‌گران بود، انجام ندادند.

سیاست

محمد صدر در گفت‌وگو با «شرق»:

پرونده هسته‌ای، بهتر از قبل پیش خواهد رفت

زینب اسماعیلی‌سیویری



عکس: امیرزنجبیدی، شرق

وقت مشکلی داشت از این طریق استفاده می‌برد و بعد از مدتی دوباره با غرب و آمریکا و اروپا هماهنگ می‌شد. این به دلیل عدم شناخت سیاست‌خارجی روسیه و چین و امید واهی به این کشور بود. البته حتما باید با این دو کشور رابطه داشت، روسیه کشور همسایه ماست و چین نیز کشور بزرگی است. رابطی‌ای سالم است که طرفین از رابطه منتفع شوند، چه در بعد سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی. این نقد به معنی نفی رابطه با این کشورها نیست.

■ شما می‌گویید که آقای احمدی‌نژاد در سیاست‌خارجی تخصص نداشت. اما او می‌توانست وزارت‌خارجه قوی‌ای داشته‌باشد، شاید آقای خاتمی هم تخصص ویژه‌ای در حوزه سیاست‌خارجی نداشت اما اینگونه اتهامات به سیاست‌خارجی آن دوره مطرح نبود. شما در این سال‌ها در بدنه وزارت‌خارجه بودید، چه اتفاقی در این مجموعه رخ داده، اساسا در این سال‌ها، این وزار تخانه در تنظیم روابط با جهان، تصمیم‌گیر بوده؟

این موضوع کملا به رئیس‌جمهور ربط دارد. در زمان آقای خاتمی، بنده معاون امور کشورهای عربی و آفریقایی در وزارت خارجه بودم. تصمیم‌گیر اصلی در مورد این حوزه، ما کارشناسان این حوزه بودیم. آقای خاتمی، سیاست خارجه، سیاست داخله و فرهنگ را خیلی خوب می‌دانست.

■ یعنی در جلسات کارشناسی با موضوعات سیاست‌خارجی حضور داشت؟

بله، جلسات متعددی داشتیم و گزارش‌هایی می‌فرستادیم. آقای خاتمی به حوزه سیاست خارجه اشراف و توجه ویژه‌ای داشت. برای من تعجب‌آور بود که ایشان با حجم کاری که داشت گزارش‌های مفصل کاری ما را در عرض سه روز پاسخ می‌داد. سیستم اداری ما، سیستم کندی است و این شگفت‌آور است که با این دقت و سرعت نظر‌اتشان را در مورد گزارش‌های ما می‌دادند. آقای خاتمی از نظرات بدنه سیاست‌خارجه استفاده می‌کرد و سیاست خارجه بسیار موفق‌ی داشت.

■ خارج از مسوولیتی که آن‌زمان در وزارت‌خارجه داشتید، چه انتقادی به وزارت خارجه دوران خاتمی داشتید؟

اول این را بگویم که در دوره آقای خاتمی، اتفاقی رخ داد که من در مجموعه وزارت خارجه معتقد بودیم که درست عمل نکرده است – متأسفانه موضوع آن

الان یادم نیست- در آن زمان من معتقد بودم که باید نظمان را به او منتقل کنیم، با اینکه همکاریم مخالفین این اقدام بودند، من در متنی انتقادم را به آقای خاتمی منتقل کردم. جالب این بود که آقای خاتمی نظر من را پذیرفت و حتی از بابت این انتقاد، تشکر کرد. با این روش، زیرمجموعه یک نهاد رشد می‌کند و وزارت خارجه قدرت پیدا می‌کند.

■ آقای روحانی در روز تنفیذ گفتند که امیدوارند از سر نوشت پیشینیان خود درس بگیرند. عملکرد پیشینیان، سر نوشت آنها را رقم زده، اشتباهات قبلی را نباید تکرار کنیم. سوالم را تکرار می‌کنم: سیاست‌خارجی دوره آقای خاتمی چه ایرادی داشت؟

علت این موضوع، اشتباهات احمدی‌نژاد بود. اشتباه اول انزوای رابطه با غرب و عدم رابطه با بقیه کشورهای مهم و عضو ثابت شورای امنیت سازمان‌ملل بود، عدم رابطه با این کشورها موجب می‌شد رابطه با چین و روسیه که عضو دائم شورای امنیت هستند را بیشتر کنیم که از منافع ما در شورای امنیت دفاع کنند. دلیل دوم، اشتباه در شناخت روسیه و چین بود. گرایش به این کشورها به این دلیل بود که آقای احمدی‌نژاد فکر می‌کرد این کشورها مقابل قطعنامه‌های تحریم ایستادگی می‌کنند و از منافع ایران دفاع می‌کنند، با از تصویب قطعنامه‌ها پیشگیری می‌کنند، یا از حق وتوی خود استفاده می‌کنند، دلیل آن، تحلیل نادرست آقای احمدی‌نژاد در مورد این کشورها و تخصص نداشتن در حوزه سیاست‌خارجی بود و اینکه از کارشناسان وارد هم استفاده نمی‌کرد و نتیجه این کار هم اشتباهی بود که رخ داد و به نتیجه نادرستی رسیدیم.

واقعیت اینکه چین در این سال‌ها، بهترین استفاده را از ایران و بهترین منفعت اقتصادی را برده، روسیه هم با کارت ایران بهترین بازای را با آمریکا و غرب کرد هر

نگاه

اخلاق و سیاست



حسین ملای

● ارتباطات گسترده بشری در دوران معاصر هم به‌لحاظ انسانی و هم به‌لحاظ ابزاری، توسعه فراوانی یافته است. اگر کج‌رفتاری کسی در گذشته گریبان معدودی را می‌گرفت و خبرش از شهری به شهر دیگر نمی‌رسید، امروز کوچک‌ترین کج‌رفتاری هم گریبان بسیاری را می‌گیرد و هم خبرش عالمگیر می‌شود.در بسیاری جوامع اسلامی، مسلمانان بیشتر سیاسی شده‌اند و روابط اجتماعی آنها گسترده شده است اما آنقدر که در سیاست پیش رفته‌اند، در اخلاق رشد نکرده‌اند، مخصوصا در اخلاق سیاسی.از سال‌ها پیش عده‌ای از کوچک‌ترین واکنش در برابر بزرگ‌ترین تحولات عصرشان دریغ می‌ورزیدند و درمقابل امروز، عده‌ای همه‌چیز را با عینک سیاست می‌نگردن و با ترازوی سیاست هرچیز و هرکس را وزن می‌کنند و همفکران سیاسی خود را – هرچند نالایق – بر چشم می‌پهنند و به ناهمفکران خود- هرچند لایق و ارزشمند – نگاهی از گوشه‌چشمی روانی‌دارند. باید بیاموزیم که سیاست مهم است ولی اخلاق از آن مهم‌تر و در تعارض میان اخلاق و سیاست حق تقدم با اخلاق است. میزان اخلاق است و صلاح اخلاقی مقدم بر هر مصلحت سیاسی، ناکامی سیاسی نقص نیست وقتی که با پیروزی اخلاقی باشد و توفیق سیاسی امتیاز نیست هنگامی که قرین شکست اخلاقی باشدما مسلمانان باید از خود آغاز کنیم آن هم از اخلاق به‌ویژه اخلاق سیاسی و اجتماعی، تا هنگامی که از خود آغاز کنیم و اخلاق خود را درگرنه نسناسیم اگر هم چندگام به پیش بنگازیم بی‌درنگ چندین گام به پس می‌رویم. اگر استعمار و استبداد و استثمار از جهان اسلام ریشه‌کن شوند و همه مسلمانان به استقلال و آزادی و برابری دست یابند و هیچ دشمن خارجی نداشته باشند بدون احیا و استحکام اخلاق و برادری باز هم دچار نابسامانی‌ها می‌شوند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و از چالاهی به چالاهی دیگر و شاید چاهی دیگر می‌افتند.این دنیا دارالجزا و هدف نهایی در آن، مجازات‌کردن بدارکان نیست بلکه هدف آن است که بدارکان را نیکوکار کنیم چپسا با انتقام از بدارکان و مقابله با آنها، بدارکان، همچنان بدارک بمانند و با حق، کینه برورزند اما با نیکی، آنها طعم شیرین نیکی را می‌چشند و دوست و نیکوکار می‌شوند.امیرالمومنین علی (ع) فرموده‌اند انسان بنده احسان است. آری احسان کمندی است که به گردن هر که افتد سر به راهش می‌کند و حتی گردن کشان را رام می‌سازد با کمند احسان می‌توان کینه را از دل دشمن زدود و دلش را ربود.بسیاری از مسلمانان از تاثیر قدرت معنوی و نیروی اخلاقی می‌خبرند،ند م‌عنویت و مکارم اخلاقی می‌توان به توفیقاتی دست یافت که با صد لشکر و قدرت مادی نمی‌توان. با اکسیر احسان می‌توان دشمن را به مخالف و مخالف را متوقف و متوقف را به موافق تبدیل کرد. تبدیل دشمن به دوست و تغییر و توفیق بزرگی است که گاهی فقط منوط به احسان به اوست.ما همواره می‌کوشیم که با دشمن درافتیم حال آنکه باید بکوشیم دشمنان را براندازیم با سرکوب دشمن، دشمنی از میان نمی‌رود اما با محو دشمنی، دشمن و دشمنی برمی‌افتد. محو دشمنی بسته به این است که با احسان از دشمن دوست بسازیم و با شیرینی دندان تیزش را کند کنیم. از امیرالمومنین روایت شده احسان به دشمن بعد از کار او را در صلح می‌آورد.حسن ختام این کلام را به شعری از بوستان سعدی می‌سپاریم:

بیخش ای پسر کلیمزاده صید / به احسان توان کرد و وحشی به قید
عدو را به الطاف گردن بیند / که نتوان بریدن به تیغ این کمند
چو دشمن کرم بیند و لطف و جود / نباید دگر خبت از او در وجود
برنیاید که گردن دوست

این ارتباط نزدیک با مردم موجب می‌شود، افکارعمومی، خود را شریک دولت منتخب خویش بدانند و به‌محض بروز کمترین دشواری در کار دولت، با شامه تیز سیاسی خود آن را درک کنند و برای پشتیبانی از دولت و خنثی کردن بحران‌ها گام در میدان نهند. البته ابزار موثر و مکمل دیگری در این مسیر نیز باز همان ابزار «گفت‌وگو» است و در به‌کارگیری از آن در مدیریت بحران البته باید با خود بحران آفرینان نیز به گفت‌وگو نشست.تکناتی اساسی که نظریه‌پردازان گفت‌وگو بر آن تاکید می‌کنند آن است که هر جا باب گفت‌وگو بسته شود، زمینه برای اعمال خشونت مهیا می‌شود.

● ارتباطات گسترده بشری در دوران معاصر هم به‌لحاظ انسانی و هم به‌لحاظ ابزاری، توسعه فراوانی یافته است. اگر کج‌رفتاری کسی در گذشته گریبان معدودی را می‌گرفت و خبرش از شهری به شهر دیگر نمی‌رسید، امروز کوچک‌ترین کج‌رفتاری هم گریبان بسیاری را می‌گیرد و هم خبرش عالمگیر می‌شود.در بسیاری جوامع اسلامی، مسلمانان بیشتر سیاسی شده‌اند و روابط اجتماعی آنها گسترده شده است اما آنقدر که در سیاست پیش رفته‌اند، در اخلاق رشد نکرده‌اند، مخصوصا در اخلاق سیاسی.از سال‌ها پیش عده‌ای از کوچک‌ترین واکنش در برابر بزرگ‌ترین تحولات عصرشان دریغ می‌ورزیدند و درمقابل امروز، عده‌ای همه‌چیز را با عینک سیاست می‌نگردن و با ترازوی سیاست هرچیز و هرکس را وزن می‌کنند و همفکران سیاسی خود را – هرچند نالایق – بر چشم می‌پهنند و به ناهمفکران خود- هرچند لایق و ارزشمند – نگاهی از گوشه‌چشمی روانی‌دارند. باید بیاموزیم که سیاست مهم است ولی اخلاق از آن مهم‌تر و در تعارض میان اخلاق و سیاست حق تقدم با اخلاق است. میزان اخلاق است و صلاح اخلاقی مقدم بر هر مصلحت سیاسی، ناکامی سیاسی نقص نیست وقتی که با پیروزی اخلاقی باشد و توفیق سیاسی امتیاز نیست هنگامی که قرین شکست اخلاقی باشدما مسلمانان باید از خود آغاز کنیم آن هم از اخلاق به‌ویژه اخلاق سیاسی و اجتماعی، تا هنگامی که از خود آغاز کنیم و اخلاق خود را درگرنه نسناسیم اگر هم چندگام به پیش بنگازیم بی‌درنگ چندین گام به پس می‌رویم. اگر استعمار و استبداد و استثمار از جهان اسلام ریشه‌کن شوند و همه مسلمانان به استقلال و آزادی و برابری دست یابند و هیچ دشمن خارجی نداشته باشند بدون احیا و استحکام اخلاق و برادری باز هم دچار نابسامانی‌ها می‌شوند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و از چالاهی به چالاهی دیگر و شاید چاهی دیگر می‌افتند.این دنیا دارالجزا و هدف نهایی در آن، مجازات‌کردن بدارکان نیست بلکه هدف آن است که بدارکان را نیکوکار کنیم چپسا با انتقام از بدارکان و مقابله با آنها، بدارکان، همچنان بدارک بمانند و با حق، کینه برورزند اما با نیکی، آنها طعم شیرین نیکی را می‌چشند و دوست و نیکوکار می‌شوند.امیرالمومنین علی (ع) فرموده‌اند انسان بنده احسان است. آری احسان کمندی است که به گردن هر که افتد سر به راهش می‌کند و حتی گردن کشان را رام می‌سازد با کمند احسان می‌توان کینه را از دل دشمن زدود و دلش را ربود.بسیاری از مسلمانان از تاثیر قدرت معنوی و نیروی اخلاقی می‌خبرند،ند م‌عنویت و مکارم اخلاقی می‌توان به توفیقاتی دست یافت که با صد لشکر و قدرت مادی نمی‌توان. با اکسیر احسان می‌توان دشمن را به مخالف و مخالف را متوقف و متوقف را به موافق تبدیل کرد. تبدیل دشمن به دوست و تغییر و توفیق بزرگی است که گاهی فقط منوط به احسان به اوست.ما همواره می‌کوشیم که با دشمن درافتیم حال آنکه باید بکوشیم دشمنان را براندازیم با سرکوب دشمن، دشمنی از میان نمی‌رود اما با محو دشمنی، دشمن و دشمنی برمی‌افتد. محو دشمنی بسته به این است که با احسان از دشمن دوست بسازیم و با شیرینی دندان تیزش را کند کنیم. از امیرالمومنین روایت شده احسان به دشمن بعد از کار او را در صلح می‌آورد.حسن ختام این کلام را به شعری از بوستان سعدی می‌سپاریم:

بیخش ای پسر کلیمزاده صید / به احسان توان کرد و وحشی به قید
عدو را به الطاف گردن بیند / که نتوان بریدن به تیغ این کمند
چو دشمن کرم بیند و لطف و جود / نباید دگر خبت از او در وجود
برنیاید که گردن دوست

این ارتباط نزدیک با مردم موجب می‌شود، افکارعمومی، خود را شریک دولت منتخب خویش بدانند و به‌محض بروز کمترین دشواری در کار دولت، با شامه تیز سیاسی خود آن را درک کنند و برای پشتیبانی از دولت و خنثی کردن بحران‌ها گام در میدان نهند. البته ابزار موثر و مکمل دیگری در این مسیر نیز باز همان ابزار «گفت‌وگو» است و در به‌کارگیری از آن در مدیریت بحران البته باید با خود بحران آفرینان نیز به گفت‌وگو نشست.تکناتی اساسی که نظریه‌پردازان گفت‌وگو بر آن تاکید می‌کنند آن است که هر جا باب گفت‌وگو بسته شود، زمینه برای اعمال خشونت مهیا می‌شود.

● ارتباطات گسترده بشری در دوران معاصر هم به‌لحاظ انسانی و هم به‌لحاظ ابزاری، توسعه فراوانی یافته است. اگر کج‌رفتاری کسی در گذشته گریبان معدودی را می‌گرفت و خبرش از شهری به شهر دیگر نمی‌رسید، امروز کوچک‌ترین کج‌رفتاری هم گریبان بسیاری را می‌گیرد و هم خبرش عالمگیر می‌شود.در بسیاری جوامع اسلامی، مسلمانان بیشتر سیاسی شده‌اند و روابط اجتماعی آنها گسترده شده است اما آنقدر که در سیاست پیش رفته‌اند، در اخلاق رشد نکرده‌اند، مخصوصا در اخلاق سیاسی.از سال‌ها پیش عده‌ای از کوچک‌ترین واکنش در برابر بزرگ‌ترین تحولات عصرشان دریغ می‌ورزیدند و درمقابل امروز، عده‌ای همه‌چیز را با عینک سیاست می‌نگردن و با ترازوی سیاست هرچیز و هرکس را وزن می‌کنند و همفکران سیاسی خود را – هرچند نالایق – بر چشم می‌پهنند و به ناهمفکران خود- هرچند لایق و ارزشمند – نگاهی از گوشه‌چشمی روانی‌دارند. باید بیاموزیم که سیاست مهم است ولی اخلاق از آن مهم‌تر و در تعارض میان اخلاق و سیاست حق تقدم با اخلاق است. میزان اخلاق است و صلاح اخلاقی مقدم بر هر مصلحت سیاسی، ناکامی سیاسی نقص نیست وقتی که با پیروزی اخلاقی باشد و توفیق سیاسی امتیاز نیست هنگامی که قرین شکست اخلاقی باشدما مسلمانان باید از خود آغاز کنیم آن هم از اخلاق به‌ویژه اخلاق سیاسی و اجتماعی، تا هنگامی که از خود آغاز کنیم و اخلاق خود را درگرنه نسناسیم اگر هم چندگام به پیش بنگازیم بی‌درنگ چندین گام به پس می‌رویم. اگر استعمار و استبداد و استثمار از جهان اسلام ریشه‌کن شوند و همه مسلمانان به استقلال و آزادی و برابری دست یابند و هیچ دشمن خارجی نداشته باشند بدون احیا و استحکام اخلاق و برادری باز هم دچار نابسامانی‌ها می‌شوند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و از چالاهی به چالاهی دیگر و شاید چاهی دیگر می‌افتند.این دنیا دارالجزا و هدف نهایی در آن، مجازات‌کردن بدارکان نیست بلکه هدف آن است که بدارکان را نیکوکار کنیم چپسا با انتقام از بدارکان و مقابله با آنها، بدارکان، همچنان بدارک بمانند و با حق، کینه برورزند اما با نیکی، آنها طعم شیرین نیکی را می‌چشند و دوست و نیکوکار می‌شوند.امیرالمومنین علی (ع) فرموده‌اند انسان بنده احسان است. آری احسان کمندی است که به گردن هر که افتد سر به راهش می‌کند و حتی گردن کشان را رام می‌سازد با کمند احسان می‌توان کینه را از دل دشمن زدود و دلش را ربود.بسیاری از مسلمانان از تاثیر قدرت معنوی و نیروی اخلاقی می‌خبرند،ند م‌عنویت و مکارم اخلاقی می‌توان به توفیقاتی دست یافت که با صد لشکر و قدرت مادی نمی‌توان. با اکسیر احسان می‌توان دشمن را به مخالف و مخالف را متوقف و متوقف را به موافق تبدیل کرد. تبدیل دشمن به دوست و تغییر و توفیق بزرگی است که گاهی فقط منوط به احسان به اوست.ما همواره می‌کوشیم که با دشمن درافتیم حال آنکه باید بکوشیم دشمنان را براندازیم با سرکوب دشمن، دشمنی از میان نمی‌رود اما با محو دشمنی، دشمن و دشمنی برمی‌افتد. محو دشمنی بسته به این است که با احسان از دشمن دوست بسازیم و با شیرینی دندان تیزش را کند کنیم. از امیرالمومنین روایت شده احسان به دشمن بعد از کار او را در صلح می‌آورد.حسن ختام این کلام را به شعری از بوستان سعدی می‌سپاریم:

بیخش ای پسر کلیمزاده صید / به احسان توان کرد و وحشی به قید
عدو را به الطاف گردن بیند / که نتوان بریدن به تیغ این کمند
چو دشمن کرم بیند و لطف و جود / نباید دگر خبت از او در وجود
برنیاید که گردن دوست

این ارتباط نزدیک با مردم موجب می‌شود، افکارعمومی، خود را شریک دولت منتخب خویش بدانند و به‌محض بروز کمترین دشواری در کار دولت، با شامه تیز سیاسی خود آن را درک کنند و برای پشتیبانی از دولت و خنثی کردن بحران‌ها گام در میدان نهند. البته ابزار موثر و مکمل دیگری در این مسیر نیز باز همان ابزار «گفت‌وگو» است و در به‌کارگیری از آن در مدیریت بحران البته باید با خود بحران آفرینان نیز به گفت‌وگو نشست.تکناتی اساسی که نظریه‌پردازان گفت‌وگو بر آن تاکید می‌کنند آن است که هر جا باب گفت‌وگو بسته شود، زمینه برای اعمال خشونت مهیا می‌شود.

● ارتباطات گسترده بشری در دوران معاصر هم به‌لحاظ انسانی و هم به‌لحاظ ابزاری، توسعه فراوانی یافته است. اگر کج‌رفتاری کسی در گذشته گریبان معدودی را می‌گرفت و خبرش از شهری به شهر دیگر نمی‌رسید، امروز کوچک‌ترین کج‌رفتاری هم گریبان بسیاری را می‌گیرد و هم خبرش عالمگیر می‌شود.در بسیاری جوامع اسلامی، مسلمانان بیشتر سیاسی شده‌اند و روابط اجتماعی آنها گسترده شده است اما آنقدر که در سیاست پیش رفته‌اند، در اخلاق رشد نکرده‌اند، مخصوصا در اخلاق سیاسی.از سال‌ها پیش عده‌ای از کوچک‌ترین واکنش در برابر بزرگ‌ترین تحولات عصرشان دریغ می‌ورزیدند و درمقابل امروز، عده‌ای همه‌چیز را با عینک سیاست می‌نگردن و با ترازوی سیاست هرچیز و هرکس را وزن می‌کنند و همفکران سیاسی خود را – هرچند نالایق – بر چشم می‌پهنند و به ناهمفکران خود- هرچند لایق و ارزشمند – نگاهی از گوشه‌چشمی روانی‌دارند. باید بیاموزیم که سیاست مهم است ولی اخلاق از آن مهم‌تر و در تعارض میان اخلاق و سیاست حق تقدم با اخلاق است. میزان اخلاق است و صلاح اخلاقی مقدم بر هر مصلحت سیاسی، ناکامی سیاسی نقص نیست وقتی که با پیروزی اخلاقی باشد و توفیق سیاسی امتیاز نیست هنگامی که قرین شکست اخلاقی باشدما مسلمانان باید از خود آغاز کنیم آن هم از اخلاق به‌ویژه اخلاق سیاسی و اجتماعی، تا هنگامی که از خود آغاز کنیم و اخلاق خود را درگرنه نسناسیم اگر هم چندگام به پیش بنگازیم بی‌درنگ چندین گام به پس می‌رویم. اگر استعمار و استبداد و استثمار از جهان اسلام ریشه‌کن شوند و همه مسلمانان به استقلال و آزادی و برابری دست یابند و هیچ دشمن خارجی نداشته باشند بدون احیا و استحکام اخلاق و برادری باز هم دچار نابسامانی‌ها می‌شوند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و از چالاهی به چالاهی دیگر و شاید چاهی دیگر می‌افتند.این دنیا دارالجزا و هدف نهایی در آن، مجازات‌کردن بدارکان نیست بلکه هدف آن است که بدارکان را نیکوکار کنیم چپسا با انتقام از بدارکان و مقابله با آنها، بدارکان، همچنان بدارک بمانند و با حق، کینه برورزند اما با نیکی، آنها طعم شیرین نیکی را می‌چشند و دوست و نیکوکار می‌شوند.امیرالمومنین علی (ع) فرموده‌اند انسان بنده احسان است. آری احسان کمندی است که به گردن هر که افتد سر به راهش می‌کند و حتی گردن کشان را رام می‌سازد با کمند احسان می‌توان کینه را از دل دشمن زدود و دلش را ربود.بسیاری از مسلمانان از تاثیر قدرت معنوی و نیروی اخلاقی می‌خبرند،ند م‌عنویت و مکارم اخلاقی می‌توان به توفیقاتی دست یافت که با صد لشکر و قدرت مادی نمی‌توان. با اکسیر احسان می‌توان دشمن را به مخالف و مخالف را متوقف و متوقف را به موافق تبدیل کرد. تبدیل دشمن به دوست و تغییر و توفیق بزرگی است که گاهی فقط منوط به احسان به اوست.ما همواره می‌کوشیم که با دشمن درافتیم حال آنکه باید بکوشیم دشمنان را براندازیم با سرکوب دشمن، دشمنی از میان نمی‌رود اما با محو دشمنی، دشمن و دشمنی برمی‌افتد. محو دشمنی بسته به این است که با احسان از دشمن دوست بسازیم و با شیرینی دندان تیزش را کند کنیم. از امیرالمومنین روایت شده احسان به دشمن بعد از کار او را در صلح می‌آورد.حسن ختام این کلام را به شعری از بوستان سعدی می‌سپاریم:

بیخش ای پسر کلیمزاده صید / به احسان توان کرد و وحشی به قید
عدو را به الطاف گردن بیند / که نتوان بریدن به تیغ این کمند
چو دشمن کرم بیند و لطف و جود / نباید دگر خبت از او در وجود
برنیاید که گردن دوست

این ارتباط نزدیک با مردم موجب می‌شود، افکارعمومی، خود را شریک دولت منتخب خویش بدانند و به‌محض بروز کمترین دشواری در کار دولت، با شامه تیز سیاسی خود آن را درک کنند و برای پشتیبانی از دولت و خنثی کردن بحران‌ها گام در میدان نهند. البته ابزار موثر و مکمل دیگری در این مسیر نیز باز همان ابزار «گفت‌وگو» است و در به‌کارگیری از آن در مدیریت بحران البته باید با خود بحران آفرینان نیز به گفت‌وگو نشست.تکناتی اساسی که نظریه‌پردازان گفت‌وگو بر آن تاکید می‌کنند آن است که هر جا باب گفت‌وگو بسته شود، زمینه برای اعمال خشونت مهیا می‌شود.

● ارتباطات گسترده بشری در دوران معاصر هم به‌لحاظ انسانی و هم به‌لحاظ ابزاری، توسعه فراوانی یافته است. اگر کج‌رفتاری کسی در گذشته گریبان معدودی را می‌گرفت و خبرش از شهری به شهر دیگر نمی‌رسید، امروز کوچک‌ترین کج‌رفتاری هم گریبان بسیاری را می‌گیرد و هم خبرش عالمگیر می‌شود.در بسیاری جوامع اسلامی، مسلمانان بیشتر سیاسی شده‌اند و روابط اجتماعی آنها گسترده شده است اما آنقدر که در سیاست پیش رفته‌اند، در اخلاق رشد نکرده‌اند، مخصوصا در اخلاق سیاسی.از سال‌ها پیش عده‌ای از کوچک‌ترین واکنش در برابر بزرگ‌ترین تحولات عصرشان دریغ می‌ورزیدند و درمقابل امروز، عده‌ای همه‌چیز را با عینک سیاست می‌نگردن و با ترازوی سیاست هرچیز و هرکس را وزن می‌کنند و همفکران سیاسی خود را – هرچند نالایق – بر چشم می‌پهنند و به ناهمفکران خود- هرچند لایق و ارزشمند – نگاهی از گوشه‌چشمی روانی‌دارند. باید بیاموزیم که سیاست مهم است ولی اخلاق از آن مهم‌تر و در تعارض میان اخلاق و سیاست حق تقدم با اخلاق است. میزان اخلاق است و صلاح اخلاقی مقدم بر هر مصلحت سیاسی، ناکامی سیاسی نقص نیست وقتی که با پیروزی اخلاقی باشد و توفیق سیاسی امتیاز نیست هنگامی که قرین شکست اخلاقی باشدما مسلمانان باید از خود آغاز کنیم آن هم از اخلاق به‌ویژه اخلاق سیاسی و اجتماعی، تا هنگامی که از خود آغاز کنیم و اخلاق خود را درگرنه نسناسیم اگر هم چندگام به پیش بنگازیم بی‌درنگ چندین گام به پس می‌رویم. اگر استعمار و استبداد و استثمار از جهان اسلام ریشه‌کن شوند و همه مسلمانان به استقلال و آزادی و برابری دست یابند و هیچ دشمن خارجی نداشته باشند بدون احیا و استحکام اخلاق و برادری باز هم دچار نابسامانی‌ها می‌شوند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و از چالاهی به چالاهی دیگر و شاید چاهی دیگر می‌افتند.این دنیا دارالجزا و هدف نهایی در آن، مجازات‌کردن بدارکان نیست بلکه هدف آن است که بدارکان را نیکوکار کنیم چپسا با انتقام از بدارکان و مقابله با آنها، بدارکان، همچنان بدارک بمانند و با حق، کینه برورزند اما با نیکی، آنها طعم شیرین نیکی را می‌چشند و دوست و نیکوکار می‌شوند.امیرالمومنین علی (ع) فرموده‌اند انسان بنده احسان است. آری احسان کمندی است که به گردن هر که افتد سر به راهش می‌کند و حتی گردن کشان را رام می‌سازد با کمند احسان می‌توان کینه را از دل دشمن زدود و دلش را ربود.بسیاری از مسلمانان از تاثیر قدرت معنوی و نیروی اخلاقی می‌خبرند،ند م‌عنویت و مکارم اخلاقی می‌توان به توفیقاتی دست یافت که با صد لشکر و قدرت مادی نمی‌توان. با اکسیر احسان می‌توان دشمن را به مخالف و مخالف را متوقف و متوقف را به موافق تبدیل کرد. تبدیل دشمن به دوست و تغییر و توفیق بزرگی است که گاهی فقط منوط به احسان به اوست.ما همواره می‌کوشیم که با دشمن درافتیم حال آنکه باید بکوشیم دشمنان را براندازیم با سرکوب دشمن، دشمنی از میان نمی‌رود اما با محو دشمنی، دشمن و دشمنی برمی‌افتد. محو دشمنی بسته به این است که با احسان از دشمن دوست بسازیم و با شیرینی دندان تیزش را کند کنیم. از امیرالمومنین روایت شده احسان به دشمن بعد از کار او را در صلح می‌آورد.حسن ختام این کلام را به شعری از بوستان سعدی می‌سپاریم:

بیخش ای پسر کلیمزاده صید / به احسان توان کرد و وحشی به قید
عدو را به الطاف گردن بیند / که نتوان بریدن به تیغ این کمند
چو دشمن کرم بیند و لطف و جود / نباید دگر خبت از او در وجود
برنیاید که گردن دوست

این ارتباط نزدیک با مردم موجب می‌شود، افکارعمومی، خود را شریک دولت منتخب خویش بدانند و به‌محض بروز کمترین دشواری در کار دولت، با شامه تیز سیاسی خود آن را درک کنند و برای پشتیبانی از دولت و خنثی کردن بحران‌ها گام در میدان نهند. البته ابزار موثر و مکمل دیگری در این مسیر نیز باز همان ابزار «گفت‌وگو» است و در به‌کارگیری از آن در مدیریت بحران البته باید با خود بحران آفرینان نیز به گفت‌وگو نشست.تکناتی اساسی که نظریه‌پردازان گفت‌وگو بر آن تاکید می‌کنند آن است که هر جا باب گفت‌وگو بسته شود، زمینه برای اعمال خشونت مهیا می‌شود.

● ارتباطات گسترده بشری در دوران معاصر هم به‌لحاظ انسانی و هم به‌لحاظ ابزاری، توسعه فراوانی یافته است. اگر کج‌رفتاری کسی در گذشته گریبان معدودی را می‌گرفت و خبرش از شهری به شهر دیگر نمی‌رسید، امروز کوچک‌ترین کج‌رفتاری هم گریبان بسیاری را می‌گیرد و هم خبرش عالمگیر می‌شود.در بسیاری جوامع اسلامی، مسلمانان بیشتر سیاسی شده‌اند و روابط اجتماعی آنها گسترده شده است اما آنقدر که در سیاست پیش رفته‌اند، در اخلاق رشد نکرده‌اند، مخصوصا در اخلاق سیاسی.از سال‌ها پیش عده‌ای از کوچک‌ترین واکنش در برابر بزرگ‌ترین تحولات عصرشان دریغ می‌ورزیدند و درمقابل امروز، عده‌ای همه‌چیز را با عینک سیاست می‌نگردن و با ترازوی سیاست هرچیز و هرکس را وزن می‌کنند و همفکران سیاسی خود را – هرچند نالایق – بر چشم می‌پهنند و به ناهمفکران خود- هرچند لایق و ارزشمند – نگاهی از گوشه‌چشمی روانی‌دارند. باید بیاموزیم که سیاست مهم است ولی اخلاق از آن مهم‌تر و در تعارض میان اخلاق و سیاست حق تقدم با اخلاق است. میزان اخلاق است و صلاح اخلاقی مقدم بر هر مصلحت سیاسی، ناکامی سیاسی نقص نیست وقتی که با پیروزی اخلاقی باشد و توفیق سیاسی امتیاز نیست هنگامی که قرین شکست اخلاقی باشدما مسلمانان باید از خود آغاز کنیم آن هم از اخلاق به‌ویژه اخلاق سیاسی و اجتماعی، تا هنگامی که از خود آغاز کنیم و اخلاق خود را درگرنه نسناسیم اگر هم چندگام به پیش بنگازیم بی‌درنگ چندین گام به پس می‌رویم. اگر استعمار و استبداد و استثمار از جهان اسلام ریشه‌کن شوند و همه مسلمانان به استقلال و آزادی و برابری دست یابند و هیچ دشمن خارجی نداشته باشند بدون احیا و استحکام اخلاق و برادری باز هم دچار نابسامانی‌ها می‌شوند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و بلاها و آفت‌های دیگر تهدیدشان می‌کند و از چالاهی به چالاهی دیگر و شاید چاهی دیگر می‌افتند.این دنیا دارالجزا و هدف نهایی در آن، مجازات‌کردن بدارکان نیست بلکه هدف آن است که بدارکان را نیکوکار کنیم چپسا با انتقام از بدارکان و مقابله با آنها، بدارکان، همچنان بدارک بمانند و با حق، کینه برورزند اما با نیکی، آنها طعم شیرین نیکی را می‌چشند و دوست و نیکوکار می‌شوند.امیرالمومنین علی (ع) فرموده‌اند انسان بنده احسان است. آری احسان کمندی است که به گردن هر که افتد سر به راهش می‌کند و حتی گردن کشان را رام می‌سازد با کمند احسان می‌توان کینه را از دل دشمن زدود و دلش را ربود.بسیاری از مسلمانان از تاثیر قدرت معنوی و نیروی اخلاقی می‌خبرند،ند م‌عنویت و مکارم اخلاقی می‌توان به توفیقاتی دست یافت که با صد لشکر و قدرت مادی نمی‌توان. با اکسیر احسان می‌توان دشمن را به مخالف و مخالف را متوقف و متوقف را به موافق تبدیل کرد. تبدیل دشمن به دوست و تغییر و توفیق بزرگی است که گاهی فقط منوط به احسان به اوست.ما همواره می‌کوشیم که با دشمن درافتیم حال آنکه باید بکوشیم دشمنان را براندازیم با سرکوب دشمن، دشمنی از میان نمی‌رود اما با محو دشمنی، دشمن و دشمنی برمی‌افتد. محو دشمنی بسته به این است که با احسان از دشمن دوست بسازیم و با شیرینی دندان تیزش را کند کنیم. از امیرالمومنین روایت شده احسان به دشمن بعد از کار او را در صلح می‌آورد.حسن ختام این کلام را به شعری از بوستان سعدی می‌سپاریم:

بیخش ای پسر کلیمزاده صید / به احسان توان کرد و وحشی به قید
عدو را به الطاف گردن بیند / که نتوان بریدن به تیغ این کمند
چو دشمن کرم بیند و لطف و جود / نباید دگر خبت از او در وجود
برنیاید که گردن دوست

این ارتباط نزدیک با مردم موجب می‌شود، افکارعمومی، خود را شریک دولت منتخب خویش بدانند و به‌محض بروز کمترین دشواری در کار دولت، با شامه